

تحلیل رفتار سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بر اساس نامه‌های ایشان و صدام حسین

دکتر عباس ملکی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف؛ رئیس مؤسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر؛
معاون وزارت امور خارجه (۱۳۶۵-۱۳۷۶)



چکیده

جنگ طولانی میان ایران و عراق از شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد و با آتش‌بس دوجانبه میان دو کشور، به لحاظ نظامی، در مرداد ۱۳۶۷ پایان پذیرفت. اتمام عملیات نظامی دو کشور، پس از تلاش‌های شورای امنیت ملل متحد و تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶، در آن شورا صورت گرفت. عراق دو روز بعد قطعنامه را پذیرفت. ایران به سبب مشورت نکردن دبیرخانه ملل متحد با این کشور و اینکه از شروع کننده جنگ نامی برده نشده بود، در ابتدا این قطعنامه را نپذیرفت. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان سخنگوی شورای عالی دفاع در همان زمان گفت جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ۵۹۸ را کلاً رد نکرده است. در ۱۳ تیر ۱۳۶۷ دو موشک شلیک شده از ناو آمریکایی وینسنس هوپیمای مسافربری شرکت هوپیمایی جمهوری اسلامی ایران را با ۲۹۰ سرنشین بر فراز آب‌های خلیج فارس هدف قرار داد. طی مذاکرات و مشورت‌های متعدد دیپلمات‌های ایرانی با دبیرکل و برخی از معاونان او، به تدریج نظرات و مواضع ایران با دبیرکل سازمان ملل متحد نزدیک شد و در نهایت، در تیرماه ۱۳۶۷ ایران نیز با قطعنامه ۵۹۸ موافقت کرد. پس از آن دیپلمات‌های کشورهای ایران، عراق و همچنین معاونان دبیرکل، در جلسات متعددی با حضور وزیران خارجه دو کشور و دبیرکل، راه‌های اجرایی شدن قطعنامه را بررسی کردند. در این جلسات طرف عراقی از همکاری برای بازگشت نیروهای نظامی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی و همچنین آزادی اسیران دو طرف ظفره می‌رفت. پس از رحلت امام خمینی (ره) در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، اکبر هاشمی رفسنجانی در ۱۴ مرداد ۱۳۶۸ به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. عراق تمایلی به مذاکرات سه‌جانبه نداشت؛ بنابراین، دبیرکل ملل متحد را واداشت تا در اردیبهشت ۱۳۶۸ تلویحاً به شکست مذاکرات اعتراف کند. در دی ۱۳۶۸ صدام حسین پیشنهاد کرد که مذاکرات مستقیم بین ایران و عراق آغاز شود. ایران این پیشنهاد را رد کرد. در اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه‌ای از سوی صدام حسین و یاسر عرفات خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به تهران رسید. آقای هاشمی پاسخ این نامه را داد. در مجموع دوازده نامه در این روند رد و بدل شد. در مرداد ۱۳۶۹ نیروهای عراقی رسماً از خاک ایران عقب‌نشینی کردند و به فاصله کوتاهی در همان ماه صدام حسین به کویت حمله کرد. این مقاله در پی آن است که با استفاده از نظریه‌های مطرح در رهیافت‌های رفتاری و علوم تصمیم‌گیری نشان دهد رفتار و تصمیم‌های آقای هاشمی رفسنجانی بر پایه چه ارزش‌ها، طرزتلقی‌ها و هنجارها بوده است. همچنین اهداف مد نظر وی در زمان تصمیم‌گیری تا چه اندازه اعتقادی، ملی و فردی بوده است. همچنین، نگارنده کوشیده است تا اندازه ممکن بتواند درک درستی از روش و منش آقای هاشمی از خلال نامه‌های وی با رئیس‌جمهور عراق ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله هاشمی رفسنجانی؛ قطعنامه ۵۹۸؛ نامه‌نگاری؛ اسناد جمهوری اسلامی ایران؛ صدام حسین؛ رفتار سیاسی.

مقدمه

هدف از این مقاله آن است که با استفاده از نظریه‌های مطرح‌شده در رهیافت‌های رفتاری و قواعد تصمیم‌گیری نشان داده شود که رفتار و تصمیم‌های آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی بر پایه چه باورها، ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و هنجارها بوده است. همچنین اهداف مد نظر وی در زمان تصمیم‌گیری تا چه اندازه اعتقادی، ملی و فردی بوده است. علاوه‌براین، تلاش شده است روش و منش آقای هاشمی، از خلال نامه‌های متبادله وی با رئیس‌جمهور عراق، تا حد ممکن درک شود.

مبانی نظری

در این بخش از مقاله، برای آنکه دیدگاه خوانندگان را دریابیم، چند موضوع نظری را مطرح می‌کنیم:

۱. روان‌شناسی سیاسی دانشی میان‌رشته‌ای شناخته می‌شود که به بررسی رفتار انسان در عرصه سیاست و عملکردهای سیاسی می‌پردازد. در واقع، روان‌شناسی سیاسی به چرایی رفتارها در مناسبات و تصمیمات سیاسی می‌پردازد و فعالیت‌های انجام‌شده را توصیف و علت‌یابی می‌کند. از این‌روست که در آن از مفاهیمی چون جامعه‌پذیری سیاسی یاد می‌شود. بخش مزبور را می‌توان حوزه‌ای مطالعاتی در علم سیاست دانست که به‌جای دولت، جامعه یا مناسبات بین‌المللی، فرد را تکیه‌گاه اصلی تحلیل خود قرار می‌دهد. این گرایش مطالعاتی، در میانه علم روان‌شناسی و علوم سیاسی، به همت دانشمندانی چون لاسول بنیان گذاشته شده است. لاسول تلاش کرده روان‌نخبگان سیاسی را تحلیل کند و تصمیمات آن‌ها را از دریچه مطالعات روان‌شناختی تحلیل کند.^۱
۲. تصمیم‌گیری مهم‌ترین بخش از فعالیت انسان است. هر تصمیم تحت تأثیر عواملی است. از جمله عوامل عقلایی، روان‌شناختی، ارتباطی، فرهنگی و اجتماعی. در این میان، منظور از عوامل روان‌شناختی عبارت‌اند از شخصیت تصمیم‌گیر، توانایی‌های او، تجربیات، ادراک، ارزش‌ها، آمال و نقش او.
۳. محیط لایه‌های فرهنگی متعددی دارد که به نام فرهنگ منطقه، فرهنگ کشور، و فرهنگ جهانی خوانده می‌شود. این فرهنگ‌ها بر تصمیم فردی و یا سازمانی، در قالب هنجارهای مقبول جامعه، رویه‌ها و ارزش‌ها تأثیر می‌گذارد.^۲ جامعه‌شناسان معتقدند که عوامل فرهنگی و اجتماعی معرف متغیرهای اصلی تصمیم‌گیری‌اند. اتزیونی^۳ نوشته است که تصمیم فقط امری انفرادی

^۱ <http://www.rawanonline.com/political-psychology-htm/>

^۲ <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940227001142>

^۳ Murdick, Robert G., Joel E. Ross & James R. Cleggett, *Information Systems for Modern Management*, New Delhi: Prentice-Hall of India, 1990, pp. 164-210.

^۴ Etzioni, Amitai, "Humble Decision Making", *Harvard Business Review on Decision Making*, Boston: Harvard Business School Publishing Corporation, 2001, pp. 45-58.

نیست که بتواند مستقل از زمینه خود انجام شود. تصمیم‌گیری نیاز به توجه به اوضاع فرهنگی دارد. افراد کارکردهای مطلوبیت چندگانه دارند، زیرا اهداف متعدد دارند و این کارکردها به یکدیگر نزدیک نیستند و گاه از حد خود فراتر می‌روند.^۱

۴. هربرت سایمون محقق است که درباره مفهوم و سازوکار تصمیم‌گیری مطالعات فراوانی کرده است. از نظر او مدیریت و تصمیم‌گیری دو واژه هم‌معنی و مترادف‌اند. افزون بر سایمون، گروه دیگری از صاحب‌نظران نیز مدیریت و تصمیم‌گیری را یکی و هم‌معنی تعریف کرده‌اند و مدیریت را چیزی جز تصمیم‌گیری ندانسته‌اند و معتقدند که کانون اصلی مدیریت تصمیم‌گیری است و اجرای وظایفی چون برنامه‌ریزی و سازماندهی و کنترل، در واقع کاری جز تصمیم‌گیری درباره نحوه و چگونگی اجرای این فعالیت‌ها نیست. به قول دراگر، تأکید مدیریت آینده بر فراگرد تصمیم‌گیری و درک این فراگرد است.^۲

۵. می‌توان سیاست‌گذاری یا سیاست تصمیم‌آرا به بیانیه‌ای رسمی که روابط مابین اطلاعات ورودی و روند تصمیمات متخذه را مشخص می‌کند، تعبیر کرد.^۳ سیاست غیررسمی از عادات، هم‌نوایی با رسوم، فشارهای اجتماعی، مفاهیم درهم‌تنیده مربوط به اهداف کشور یا سازمان، توجه به نقاط دارای قدرت درون بنگاه و نهایتاً منافع شخصی تأثیر می‌پذیرد.^۴ سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری و مفروضات و قواعد آن می‌تواند به مدیران کمک کند تا زمان‌هایی که اطلاعات کافی در دسترس نیست، به‌منزله راهنمای تصمیم‌آرا پیروی کنند. این قواعد و مفروضات در چارچوب الگوهای ذهنی، که خود تابع ارزش‌ها و عقاید و شناخت ما از جهان است، توسعه می‌یابند و بنابراین اگر بخواهیم قواعد تصمیم را تغییر دهیم باید الگوهای ذهنی خودمان را نیز تغییر دهیم.

۶. نقشه‌شناختی به الگوی ذهنی نزدیک است و عبارت است از طرح مقدماتی برای ایجاد ارتباط مابین احساسات آدمی در اینجا و آنجا.^۵ ابزاری است که با آن می‌توان تفاوت‌ها را در محیط تشخیص داد. در دنیای اجتماعی کنونی و برای مدیران، نقشه‌ها به منطقه مورد نظر آنان تبدیل می‌شود، چنان‌که نقشه ذهنی در علم مدیریت، ایده‌ها و مفاهیمی هستند درباره اینکه ما کجا هستیم و چه می‌کنیم و مسیر ما به کجاست و در درازمدت به کجا خواهیم رسید.^۶

۱ Mintz, Alex, N. Geva, S. B. Redd, and A. Carnes, "The Effect of Dynamic and Static Choice Sets on Decision Strategy: An Analysis Utilizing the Decision Board Platform", *American Political Science Review*, 91 (September 1997).

۲ Drucker, Peter, "How the effective executive does it?", *Fortune*, Feb. 1987, pp. 142-145.

۳ Policy

۴ Forrester, J. W. "policies, decisions, and information sources for modeling", In J. Morecroft, J. Sterman (eds.), Portland: Productivity Press, 2004, pp. 51-84.

۵ Forester, J., "Bounded Rationality and the Politics of Muddling Through", *Public Administration Review*, Jan.-Feb. 1984, p. 58.

۶ Wilford, I. N., *The Mapmakers*, New York: Knopf, 1981. p. 7.

v Weick, K. E., "Introduction: Cartographic myths in organizations", In A. Sigismund Huff (ed.), New York: John Wiley & Sons, 1990, pp. 1-10.

۷. ادراک^۱ پدیده‌های روانی- فیزیولوژیک نیست، بلکه پدیده‌های روانی-اجتماعی است. نگرش‌ها، پیشداوری‌ها، فکر قالبی و ارزش‌های فردی یا اجتماعی همه از عوامل تعیین‌کننده ادراک اجتماعی‌اند. هر یک از افراد گروه اجتماعی با استفاده از اطلاعاتی که از چارچوب مرجع، تجربیات گذشته، هنجارها و ارزش‌های گروه به دست آورده است، شیء اجتماعی و یا شخصی را در ارتباط با خود و در موقعیت خاص ادراک می‌کند. به عبارت دیگر، ادراک اجتماعی پیش از آنکه واکنشی روانی فیزیولوژیک در برابر محرک‌های محیطی باشد، تعاملی ادراکی با محیط اجتماعی است.^۲

۸. اکثر مدیران تصمیم‌گیری را رخدادی جدا می‌دانند که در یک نقطه مکانی و زمانی خاص اتفاق می‌افتد. در این مقطع، برخی از مدیران به حالتی می‌رسند که به آن «رهبر تک‌نقطه‌ای» می‌گوییم. رهبر تک‌نقطه‌ای در انزوا فکر می‌کند، سپس مشورت می‌طلبد، گزارش‌ها را می‌خواند، بیشتر فکر می‌کند، و سپس می‌گوید که بله یا خیر و سازمان را مأمور تحقق آن می‌سازد، درحالی‌که باید به تصمیم با نگاه اجتماعی و سازمانی نگرست. واقعیت آن است که تصمیم‌گیری یک حادثه یا واقعه یا پیشامد نیست. یک فرایند است که در طول یک هفته، یک ماه و یا یک سال آشکار می‌شود. تصمیم‌گیری مملو از نگرانی راجع به بازیگران قدرت و سیاست است و مشحون از تفاوت‌های ظریف شخصی و تاریخی و سابقه نهادی و سازمانی است. تصمیم‌گیری با بحث و مذاکره قرین است و نیازمند پشتیبانی همه سطوح سازمانی برای اجراست. آگاروین می‌گوید که تصمیم‌گیر خوب آن است که تصمیم را فرایندی بداند که مدیر آن را آشکارا و در جمع طراحی و مدیریت کند. تصمیم‌گیر بد فکر می‌کند که تصمیم در یک لحظه ساخته می‌شود و او آن را به تنهایی کنترل می‌کند.^۳

۹. محیط ما آکنده از عدم قطعیت‌هاست. آنچه می‌دانیم از آنچه نمی‌دانیم بسیار کمتر است. ساده‌ترین نوع تصمیم‌گیری در اوضاع اطمینان است. این نوع تصمیم‌گیری برای زمانی است که تمامی متغیرهای مؤثر موجود در آن ثابت فرض شوند. به زبان دیگر، تصمیم‌گیرنده نتیجه تصمیم را می‌داند.^۴ اما همیشه این‌گونه نیست. تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان کامل زمانی است که مشکل موجود شامل تعدادی از عدم قطعیت‌ها یا متغیرهای کنترل‌ناپذیر می‌شود. درعین‌حال، اطلاعاتی از گذشته به‌منظور پیش‌بینی برای این متغیرها در دسترس نیست و از این‌رو، محاسبه احتمال وقوع برای آن‌ها ممکن نیست. تصمیم‌گیری در اوضاع ریسک در زمانی است که مشکل موجود شامل تعدادی از متغیرهای خارج از کنترل نیز می‌شود، لیکن اطلاعات از گذشته درباره وقوع آن‌ها در دسترس است و بنابراین، محاسبه احتمال وقوع برای آن‌ها ممکن خواهد بود. مثلاً طراحی سناریوهای حمله در دوران جنگ یک تصمیم‌گیری همراه با ریسک است. فرمانده سعی می‌کند که از قبل اطلاعات بیشتری را درباره دشمن تهیه کند.^۵ تصمیم‌گیری در

۱ Perception

۲. ایروانی، محمود، و کریم خداپناهی، روان‌شناسی احساس و ادراک، تهران: سمت، ۱۳۸۳، ص ۱۸۸.

۳ Garvin, David A. & Michael Roberto, "What You Don't Know About Making Decisions", *Harvard Business Review*, September 2001, pp. 108-116.

۴ Garvin, (2001), pp.105-8.

۵ Robbins, Stephen, P., *Managing Today*, New Jersey: Prentice Hall, 2000, p. 69.

۶ Robbins, 2000, p. 70.

اوضاع تعارض برای زمانی است که راهبردهای رقبای، برای یک تصمیم‌گیرنده، جانشین متغیرهای کنترل‌ناپذیر از شرایط تصمیم‌گیری او شوند. در این حالت از تئوری بازی‌ها برای حل مسئله استفاده خواهیم کرد.^۲

۱۰. در علوم تصمیم‌گیری در ابتدا، تصمیم‌گیرنده انسان عقلایی کامل به شمار آمده است که در شرایطی تصمیم می‌گیرد که راه‌حل‌های گوناگون و طرق عمل به‌دقت و صحت سنجیده و ارزیابی شده‌اند. در نتیجه، تصمیم‌گیری عقلایی است و تصمیماتی اتخاذ می‌شود که حداکثر مطلوبیت^۳ را دارند و تصمیماتی هستند که ارزش‌های مورد نظر را به بهترین وجه تأمین و برآورده می‌کنند. این مدل یک الگوی کلاسیک اقتصادی نیز به شمار می‌آید.^۴ ولی گراهام آلیسون هشدار می‌دهد که اگرچه چنین توصیفی ما را در درک و فهم بیشتر چگونگی تصمیم‌گیری کمک می‌کند، باید توجه داشت که در اینجا از زاویه بسیار کوچک و محدودی به واقعیات نگریسته شده و در نتیجه، در بعضی از موارد نیز صحیح عمل نمی‌کند.^۵ هنگامی که محدودیت‌های ذهنی و شعوری تصمیم‌گیرنده در تجزیه و تحلیل کامل مسائل آشکار می‌شود و هنگامی که ناتوانی او در استفاده کامل از اطلاعات و در ترکیب، پردازش و عمل‌آوری این اطلاعات تشخیص داده می‌شود، زمانی که مشاهده می‌شود که بیشتر مسائل ماهیتی غامض و پیچیده دارند و سرانجام هنگامی که درمی‌یابیم که لازمه جمع‌آوری و کسب اطلاعات، تحمل هزینه‌های سنگینی است، سؤالی که طبیعتاً به ذهن متبادر می‌شود آن است که تحت این شرایط، اصولاً برخورد مدیر با مسئله تصمیم‌گیری چگونه می‌تواند باشد و مدیر چگونه می‌تواند تصمیمی اتخاذ کند که بهترین تصمیم باشد؟ با پیشنهاد مفهوم عقلایی محدود^۶ در الگوی رفتاری تصمیم‌گیری، هربرت سایمون سعی می‌کند جواب‌گوی این مسئله باشد.^۷ در تحقیق اولیه در سال‌های قبل‌تر، مارچ و سایمون تعریف محدودتری از مفهوم عقلایی عرضه می‌کنند. این دو معتقدند که عقلانیت انسان محدود است و این محدودیت ناشی از محدودیت‌های ذهنی و شعوری انسان است و هرگونه بحثی درباره مکانیسم تصمیم‌گیری باید با علم بر این واقعیت باشد. بنابراین، محیط‌های سازمانی و اجتماعی که تصمیم‌گیرنده در آن قرار گرفته است، در شیوه و نحوه تصمیم‌گیری او مؤثرند.^۸ در این روش، تصمیم‌گیر پس از آنکه معیارهای نه چندان کاملی را برای حل مسئله در نظر گرفت، به مجرد رسیدن به راه حلی که «رضایت» او را برانگیزاند، کار تحقیق در مورد

۱ Decision Making under Conflict

۲ Render, Barry & Ralph Stair, Jr., *Introduction to Management Science*; Boston: Allyn and Bacon, 1992, pp. 596-7.

۳ اصغرپور، محمدجواد، *تصمیم‌گیری و تحقیق عملیات در مدیریت*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، صص ۱۲۴-۱۲۷.

۴ در این مقاله فرصت آن نیست که تئوری مطلوبیت را شرح دهیم، برای آگاهی بیشتر نک:

Baumol, William J. and Alan S. Blinder, *Economics: Principles and Policy*, (13th Edition), London: Cengage Learning, 2016.

۵ Dale, Ernest, *Management: Theory and Practice*, (4th Edition), London: McGraw-Hill, 1988, pp. 417-8.

۶ سعادت، اسفندیار، «انسان عقلایی یا انسان خودیاب»، *دانش مدیریت*، ش ۶ و ۷، ۱۳۶۸، صص ۱۱۰-۱۲۷.

۷ Bounded Rationality

۸ Simon, Herbert H., "Cognitive Science: The newest science of the artificial", *Cognitive Science*, vol. 4, 1980, pp. 33-46.

۹ Simon, Herbert A., "Making Management Decisions: The role of Intuition and Emotion", *Academy of Management Executive*; No. 1, (Feb. 1987), pp. 57-64.

جایگزین‌های دیگر (آلترناتیوها) را رها می‌کند و مسئله را خاتمه‌یافته می‌داند. 'مارچ این ایده مطلب را گسترش داده است و از الگوی عقلانیت بافتاری 'سرخ به میان می‌آورد. این الگو نشان می‌دهد که مردم در زمان تصمیم‌گیری، در زیر فشارهای یک محیط پیچیده قرار می‌گیرند که متأثر از بسیاری دیگر از تصمیم‌ها و معیارهای تصمیم‌گیری است و درعین‌حال مردم، در این موقعیت، اطلاعات و زمان محدودی را در دسترس دارند. به‌زبان دیگر، مردم در حالت تصمیم‌گیری، در محیطی کاملاً غیرشفاف قرار دارند، مسائل برای آن‌ها روشن نیست و ارتباط مابین راه‌های مختلف غیرمستقیم و کل فرایند در محیطی سیاسی رخ می‌دهد. 'سایمون بر آن است که انتخاب و تصمیم‌گیری همیشه بر مبنای الگویی محدود، تقریبی و ساده‌شده از موقعیت واقعی انجام می‌گیرد. به عقیده نیوول و سایمون، واقعیت بستگی به آن دارد که تصمیم‌گیرنده، واقعیت را چه تشخیص داده باشد. 'یعنی ممکن است آنچه تصمیم‌گیرنده واقعیت دانسته، واقعیت نبوده یا همه واقعیت نباشد. 'مسائل و مشکلاتی که یک تصمیم‌گیر در سطح سازمان، دولت و یا در سطح بین‌المللی با آن روبه‌روست، معمولاً به‌قدری پیچیده و غامض است که مدیر، در جایگاه یک انسان و با محدودیت‌های انسانی خود، توان رویارویی و غلبه بر آن را ندارد و به‌ناچار به ساده‌سازی متوسل می‌شود. ساده‌سازی به معنای آن است که معمولاً مدیر به‌جای سعی در یافتن بهترین راه حل، سعی می‌کند که به راه حل مناسب دست پیدا کند. قناعت به یافتن و بسنده کردن به راه حل مناسب و کافی (به‌جای ادامه جست‌وجو برای یافتن بهترین راه حل) تصمیم‌گیری را عملی‌تر و آسان‌تر می‌کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم‌سازی مانند برخی دیگر از مفاهیم در تئوری سازمان، یک ساخت مصنوعی و یک مفهوم روان‌شناختی از تعامل تعهد و عمل است. 'در این صورت، نقش شخصیت در تصمیم‌گیری برجسته می‌شود. تصمیم‌گیری چنان با خصوصیات روانی تصمیم‌گیرنده آمیخته است که نمی‌توان یکی را بدون دیگری مطرح و در مورد آن مطالعه کرد. عوامل و عناصر شخصیتی از قبیل خلق‌وخوی، هوش، انرژی، بینش و نگرش و احساسات مدیر، همگی در تصمیماتی که او اتخاذ می‌کند نقش مؤثری دارند. بنابراین، از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، مطالعه فرایند تصمیم‌گیری باید با در نظر گرفتن تمامی خصوصیات انسان تصمیم‌گیرنده انجام گیرد. میان انسان‌ها تفاوت‌های بسیاری وجود دارد، از جمله اینکه تجربیات آن‌ها یکی نیست، درجه ریسک‌پذیری در همه یکسان نیست، ایمنی برای همه ارزش یکسانی ندارد و همه افراد به یک اندازه معاشرتی و اجتماعی نیستند. اهمیت وجود تفاوت‌های فردی میان انسان‌ها در این است که اطلاعات، یعنی آنچه فرد بر اساس آن تصمیم می‌گیرد، برحسب این تفاوت‌ها تعبیر و تفسیر و فهمیده می‌شوند. 'طی بحثی جامع، دانیل کتز^۱ و روبرت کان^۲ شخصیت تصمیم‌گیرنده و مکانیسم‌های روانی اندیشیدن را به‌منزله عوامل

۱ Robbins, Stephen, P., *Managing Today*, New Jersey: Prentice Hall, 2000, p. 69.

۲ Contextual Rationality

۳ James, March, "Bounded Rationality, Ambiguity, and the Engineering of Choice", in *Bell Journal of Economics*, vol. 9, 1978, pp. 587-608.

۴ Newell, Allen, & Herbert A. Simon; *Human Problem Solving*; New Jersey: Prentice-Hall, 1972, pp.34-5,

۵ Forester, J., "Bounded Rationality and the Politics of Muddling Through", *Public Administration Review*, Jan.-Feb. 1984, pp. 23-31.

۶ Simon, Herbert A., *Administrative Behavior*, 3rd edition. New York: Free Press, 1976, p. 241.

۷ Mintzberg (1998), p. 159.

زمینه‌ساز در تصمیم‌گیری مطرح می‌کنند و معتقدند که اندیشه‌ی انسان و در نتیجه، تصمیم‌گیری‌های او، تابع مجموعه‌ای از عوامل مختلف است. اول اینکه انسان و تصمیم‌گیری‌های انسان تحت تأثیر موقعیت او در فضای اجتماعی است. دوم، مدیر در تصمیم‌گیری از الگوگیری از گروه‌های برون‌سازمانی استفاده کرده است و حتی برخی اوقات از افراد خارج از سازمان هويت می‌پذیرد. سوم، در انسان‌ها تمایل به نزدیک‌بینی ذهنی وجود دارد و چهارم، انسان غالباً به ساده‌سازی علل سببی می‌پردازد.

۱۱. اندیشمندان روابط بین‌الملل همواره نقشی مهم برای ادراک از تهدید در مسائلی مانند جنگ، بازدارندگی، اتحاد و ائتلاف و حل‌وفصل منازعات قائل بوده‌اند. شاید برای اولین بار توسیدید بوده است که موضوع ارزیابی تهدید و نیاز به توازن قوا در برابر قدرت تهدیدکننده را مطرح کرده است؛ اما اکنون محور اغلب نظریه‌های مبتنی بر توازن قوا، راهبردهای اتحاد و نظریه‌های جنگ، بحث مفهوم ادراک تهدید است. در این نظریات مفهوم تهدید بیش از همه، مربوط به قدرت به‌ویژه قدرت نظامی است و وابستگی اساسی با این مفهوم دارد. اندیشمندان روابط بین‌الملل اغلب نگاهی عینی به مفهوم تهدید و ارزیابی تهدید دارند. تنها طی چند دهه اخیر بوده است که برخی اندیشمندان و متفکران روابط بین‌الملل از این دیدگاه عینی فاصله گرفته و برای سنجیدن مفهوم تهدید بر اساس نیت و قصد، صرف‌نظر از هرگونه معادله و توازن قوای نظامی، به مثابه الگوهایی برای ریشه‌یابی علل بروز جنگ، تلاش کرده‌اند. در کنار این، برخی دیگر از پژوهشگران که در مکتب روان‌شناسی سیاسی فعال‌اند و پیشروترین آن‌ها را باید رابرت جرویس دانست، با فراتر رفتن از نیت و قصد در مفهوم تهدید، موضوع ادراک و سوء ادراک در تهدید را مرکز توجه خود قرار دادند و مرز مهمی را میان آنچه به‌واقع تهدیدزا است و آنچه از آن به‌عنوان یک تهدید ادراک و برداشت می‌شود ترسیم کرده‌اند. این امر شروعی برای تمرکز بر دو مفهوم اساسی در روابط بین‌الملل و بازاندیشی درباره آن‌ها بود، یعنی مفهوم تهدید و مفهوم ادراک. به شکل غالب، تهدید در دو شکل زبانی و فیزیکی یا مادی تعریف می‌شود. تهدید زبانی به معنی جملات و یا بیانات شرطی است که حاوی پیام‌هایی در مورد توان و نیت برای تعارض و تحمیل خسارت است، در صورتی که نتایج مورد نظر به‌دست نیاید. تهدیدهای زبانی معمولاً در فرم: اگر... آنگاه... بیان می‌شوند و مقصود از آن وادار کردن هدف تهدید به انجام کنش مورد نظر یا صرف‌نظر از یک کنش است. البته این شکل از تهدید همواره در فرم زبانی قرار ندارد و ممکن است شامل ابزارهای غیرزبانی برای ارسال سیگنال یا پیام تهدیدآمیز نیز باشد. از همین روی است که انباشت قدرت نظامی یا اقتصادی می‌تواند برای سایر بازیگران در روابط بین‌الملل منبعی برای تهدید باشد، اما تهدید به‌خودی‌خود چندان بیانگر نیست. فهم و دریافت معنای تهدید به‌واسطه درک هدف تهدید میسر می‌شود. در واقع، ادراک فرایند دریافت موضوع از طریق احساسات و عقل و تفسیر آن است. روان‌شناسان ادراک را نوعی از هشیاری یکپارچه، حاصل از مجموعه‌ای از فرایندهای حسی و در واکنش به یک انگیزه یا محرک، تلقی می‌کنند. ادراک مبنای فهم و یادگیری و دانش است و یک انگیزه اساسی برای کنش. در این میان و در میانه فرایند ادراک وضعیت احساسی، پردازش اطلاعات و الگو و خصیصه‌های استنتاج فرد حائز اهمیت و تأثیرگذار است. مجموعه ادراکات فردی به شکل مؤثر می‌تواند منجر به تعریف یک وضعیت ادراکی جمعی شود و از این دیدگاه می‌توان برداشت کرد که ادراک از تهدید یا به عبارتی خود تهدید—سازه‌ای اجتماعی است که حاصل تعامل عمومی و خصوصی افراد، متخصصان، نخبگان سیاسی و تصمیم‌سازان سیاسی است. دیدگاه مبتنی بر روان‌شناسی بر این باور است که برای پیدا کردن ریشه‌های تعارض باید دست به دامان روان‌شناسی شناختی شد و

۱ Daniel Katz

۲ Robert Kahn

معتقد است که تخمین اشتباه از اطلاعات و یا عدم عرضه اطلاعات صحیح، ریشه در مبنای شناختی بازیگران و تصمیم‌گیرندگان دارد. رابرت جرویس، با مبنا قراردادن این روان‌شناسی شناختی، بر آن است که ممیزه‌های اصلی دخیل در ادراک و ادراک از تهدید— عبارت‌اند از باور، تصویر، و نیت. ادرواقع، ادراک فرایندی است که طی آن یک بازیگر به تولید یا ایجاد یک فهم (باور) در مورد بازیگران دیگر (تصویر) و آنچه آن‌ها در یک موقعیت خاص انجام می‌دهند (نیت) اقدام می‌کند. از این نظر، نیت عبارت است از واکنش‌ها یا کنش‌هایی که یک بازیگر انتظار آن را از بازیگر دیگر در یک موقعیت مشخص دارد (برخلاف واکنش یا کنشی که آن بازیگر قصد آن را دارد یا امیدوار به انجام آن است). جرویس پویایی‌های روان‌شناختی را به‌جای گزاره‌های عقلانی می‌نشانند و می‌گویند که عوامل روان‌شناختی می‌توانند تقویت‌کننده تخمین اشتباه و در نتیجه محدودساز عقلانیت تصمیم‌گیرندگان شوند. وی بیان می‌کند که بازیگری که برای تقویت قوای دفاعی خود تلاش می‌کند، به‌خوبی نیت خود را می‌داند و فرض می‌کند که سایر بازیگران نیز نیت وی را به همان خوبی درک می‌کنند، اما سایر بازیگران در این موقعیت قرار ندارند و در نتیجه، به همان وضوح نیت بازیگر اول را تشخیص نمی‌دهند و واکنش نشان می‌دهند.

۱۲. جرویس در مورد تغییر نگرش رهبران و افراد، به شکل کلی، دیدگاه جالب توجهی دارد؛ مکانیسم فعالی که وقتی یک تصمیم‌گیرنده مجبور به مواجهه با اطلاعاتی می‌شود که جدید و متباین با تصویر او است. به نظر جرویس در این شرایط تمایل فرد به حفظ باور و تصویر قبلی خود از طریق نادیده گرفتن اطلاعات جدید یا کم‌اهمیت جلوه‌دادن، نامطمئن‌دانستن و ناصحیح‌دیدن این اطلاعات است. فقط زمانی که این استراتژی‌ها کارآمد و کافی نباشند، فرد نگرش خود را تغییر می‌دهد. اما حتی بعد از این نیز افراد سعی می‌کنند به دیدگاه و نگرش سابق خود برگردند. تغییر نگرش اساسی فرد به حجم اطلاعات متباین جدید بستگی دارد. تغییرات سریع و گسترده تأثیر بیشتری در تغییر نگرش و تصویر، به‌صورت اساسی و در مقایسه با تغییرات آهسته و قدم‌به‌قدم، دارد.^۴ دولتمردان در آستانه جنگ، زیر فشارهای روان‌شناختی سنگینی قرار می‌گیرند که این امر بر کیفیت فرایند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. هرچند پیش‌بینی سرشت این تصمیم‌ها کار دشواری است، ولی به‌نظر می‌رسد بروز خطاها، احتمال جنگ را افزایش می‌دهد. بیشتر پژوهش‌ها نشان‌دهنده وجود رابطه غیرخطی میان تنش و کیفیت تصمیم‌گیری‌اند.^۵ مردم هنگام رویارویی با جستارهای کم‌اهمیت، از همه منابع خود استفاده نمی‌کنند ولی زیر فشار، بهترین کارکرد خود را به نمایش می‌گذارند. گذشته از خود تنش، گزاره‌هایی چند دست‌به‌دست هم می‌دهند تا توانایی تفکر مردم را کاهش دهند. نخست آنکه اطلاعات هرچند فراوان است، روشن و واضح نیست. در روزگار کنونی، نیروهای دولتی آنقدر داده‌های جورواجور تولید می‌کنند که فراتر از گنجایش

۱ Belief

۲ Image

۳ Intention

۴ <http://www.tabnak.ir/fa/news/720564/> نظریه شناختی رابرت جرویس در روابط بین‌الملل

5 Ole Holsti and Alexander George, "The Effects of Stress on the Performance of Foreign Policy- Makers," pp. 255–319 in Cornelius Cotter, ed., *Political Science Annual*, vol. 6, Indianapolis: Bobbs- Merrill, 1976; Ole Holsti, "Theories of Crisis Decision- Making," in Paul Gordon Lauren, ed., *Diplomacy*: New York: Free Press, 1979, pp. 99–136; Alexander George, "The Impact of Crisis- Induced Stress on Decision Making", pp. 529–52, in *The Medical Implications of Nuclear War*: Washington, D.C.: National Academy Press, 1986; Ole Holsti, "Crisis Decision Making," pp. 8–84 in Philip Tetlock, Jo Husbands, Robert Jervis, Paul Stern, and Charles Tilly, eds., *Behavior Society, and Nuclear War*, vol. 1: New York: Oxford University Press, 1989. The psychological literature is summarized in Richard Lazarus, *Psychological Stress and Coping Process*, New York: McGraw- Hill, 1966.

جذب است. برای همین بود که در دوران بحران گروگان‌گیری در ایران، کارشناس شورای امنیت ملی آمریکا، که عهده‌دار این موضوع بود، هر روز با یک گزارش هزار صفحه‌ای روبه‌رو می‌شد. دوم، فشار زمانی بسیار مهم است. تصمیم‌ها باید فوری گرفته شوند و از این‌رو، گستره وسیعی از پیشنهادها نادیده گرفته می‌شود و تنها بر سر چند گزینه گفت‌وگویی انجام می‌گیرد. سوم، افرادی که ناچار خواهند بود ساعت‌ها کار کنند، با کمبود زمان برای استراحت و کم‌شدن انرژی، کار خود را دنبال می‌کنند. چهارم، آگاهی از این امر که میلیون‌ها نفر ممکن است جان خود را به خاطر دستورهای تصمیم‌گیران از دست بدهند، فشارهای باورنکردنی ایجاد خواهد کرد. در چنین شرایطی، جای شگفتی نیست که برخی تصمیم‌گیرندگان، به معنای راستین کلمه، فروپاشند. افزون‌براین، بحران‌ها به احتمال بسیار، سبب انگیزش فرایندهای روان‌شناختی گوناگونی می‌شوند که حتی در شرایط بهینه نیز از کیفیت تصمیم‌گیری‌ها می‌کاهد. سه گزاره در پایداری بحران از اهمیت بسزایی برخوردارند: تمایل به پرهیز از مصالحه بر سر ارزش‌ها، ناتوانی دولتمردان در خواندن دست دشمن، و بروز دشواری در درک درست پیام‌هایی که دیگران می‌کوشند تا انتقال دهند.

نگاهی به جنگ ایران و عراق

جنگ طولانی مابین ایران و عراق از شهریور ۱۳۵۹ آغاز و با آتش‌بس دوجانبه، مابین دو کشور از نظر نظامی، در مرداد ۱۳۶۷ پایان پذیرفت. پایان یافتن عملیات نظامی دو کشور، پس از تلاش‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶، در آن شورا صورت گرفت. عراق دو روز بعد قطعنامه را پذیرفت. ایران برای مشورت‌نکردن دبیرخانه سازمان ملل متحد با

۱ Sick, Gary; *All Fall Down*: New York: Random House, 1985, p. 280.

۲. قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، در پی گسترش دامنه جنگ و افزایش نگرانی‌های شورای امنیت و کشورهای دیگر، به خصوص کشورهای منطقه و حامیان عراق، در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) در جلسه شورای امنیت به تصویب رسید. این قطعنامه که طرح آن را امریکا تنظیم کرده بود، با حضور وزرای خارجه کشورهای امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، آرژانتین و امارات متحده عربی و همچنین جانشین وزیر خارجه ژاپن به تصویب رسید. در این قطعنامه، شورای امنیت با تأیید مجدد قطعنامه ۵۸۲ (۱۹۸۶) خود، با ابراز نگرانی عمیق از اینکه به‌رغم درخواست‌هایش برای آتش‌بس، منازعه بین ایران و عراق، به شدت سابق و با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد؛ با ابراز تأسف از آغاز و ادامه منازعه، همچنین با ابراز تأسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی و غیرنظامی، حمله به کشتیرانی بی‌طرف یا هواپیماهای غیرنظامی، نقض قوانین بین‌المللی انسان‌دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، به‌ویژه کاربرد سلاح‌های شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، با ابراز نگرانی عمیق در مورد تشدید و گسترش بیشتر منازعه، مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد. شورای امنیت مصمم بود که باید راه حلی جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق به‌دست آید؛ با یادآوری مفاد منشور سازمان ملل متحد، به‌ویژه تمهید همه‌دولت عضو به حل اختلافات بین‌المللی خود، از راه‌های مسالمت‌آمیز به‌نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به مخاطره نیفتد، با حکم به اینکه در منازعه بین ایران و عراق، نقض صلح حادث شده است، بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد اقدام شد:

الف) خواستار آن است که به‌عنوان قدم اولیه جهت حل و فصل «مناقشه» از راه مذاکره، ایران و عراق یک آتش‌بس فوری را رعایت کرده، به تمام عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه داده و تمام نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی بازگردانند.

ب) از دبیر کل درخواست می‌کند که یک تیم ناظر ملل متحد برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیر کل درخواست می‌نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ کرده، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه کند.

ج) مصرانه می‌خواهد اسرای جنگی آزادشده و پس از قطع مخاصمات کنونی، براساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹، بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند.

این کشور و نام‌بردن از شروع‌کننده جنگ، نخست این قطعنامه را نپذیرفت. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان سخنگوی شورای عالی دفاع در همان زمان گفت که جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ۵۹۸ را کلاً رد نکرده است. در ۱۳ تیر ۱۳۶۷، دو موشک شلیک‌شده از ناو آمریکایی وینسنس هواپیمای مسافربری شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران را، بر فراز آب‌های خلیج فارس، هدف قرار داد و ۲۹۰ سرنشین آن را به هلاکت رساند. در پی شکایت ایران از آمریکا، شورای امنیت ملل متحد با تشکیل جلسه‌ای در این موضوع به رایزنی پرداخت. از طرف ایران، علی‌اکبر ولایتی و از طرف آمریکا جرج بوش، معاون وقت رئیس‌جمهور آمریکا، در جلسه شورای امنیت شرکت کردند. طی مذاکرات و مشورت‌های متعدد دیپلمات‌های ایرانی با دبیرکل و برخی از معاونین او، کم‌کم نظرها و مواضع ایران با دبیرکل سازمان ملل متحد نزدیک‌شده و نهایتاً در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ (۱۸ ژوئیه ۱۹۸۸) ایران نیز با قطعنامه ۵۹۸ موافقت کرد. شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۶۱۶، در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۸، خاتمه جنگ بین ایران و عراق را تأیید کرد. پس از آن دیپلمات‌های کشورهای ایران، عراق و همچنین معاونان دبیرکل در جلسات متعددی، با حضور وزیران خارجه دو کشور و دبیرکل، راه‌های اجرایی‌شدن قطعنامه را بررسی کردند. در این جلسات، طرف عراقی از همکاری برای بازگشت نیروهای نظامی به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی و همچنین آزادی اسیران دو طرف ظفره می‌رفت.

در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، حضرت امام خمینی به دیار باقی شتافت و در ۱۴ مرداد ۱۳۶۸، اکبر هاشمی‌رفسنجانی به ریاست جمهوری انتخاب شد. بی‌میلی عراق به اجرای مذاکرات سه‌جانبه، دبیرکل ملل متحد را واداشت تا در جلسه مذاکرات سه‌جانبه، در سوم اردیبهشت ۱۳۶۸ در ژنو، تلویحاً به شکست مذاکرات اعتراف کند. در دی ۱۳۶۸، صدام حسین پیشنهاد کرد که مذاکرات مستقیم بین ایران و عراق شروع شود. ایران این پیشنهاد را رد کرد. در اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه‌ای از صدام حسین و یاسر عرفات خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به تهران رسید. آقای هاشمی پاسخ این نامه را داد. در مجموع، دوازده‌نامه در این دوره ردوبدل شد. نهایتاً در مرداد ۱۳۶۹ نیروهای عراقی رسماً از خاک ایران عقب‌نشینی کردند و این در حالی بود که در همان ماه، صدام حسین حمله خود را به کویت آغاز کرده بود.

د) از ایران و عراق می‌خواهد با دبیر کل در اجرای قطعنامه و در تلاش‌های میانجی‌گرانه برای حصول یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف، در خصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.

ه) از تمام کشورهای دیگر می‌خواهد که حداکثر خویشتن‌داری را مبذول دارند و از هرگونه اقدامی که می‌تواند منجر به تشدید و گسترش بیشتر منازعه گردد، احتراز کنند و بدین‌ترتیب، اجرای قطعنامه را تسهیل نمایند.

و) از دبیر کل درخواست می‌نماید که با مشورت با ایران و عراق، مسئله تفویض اختیار به هیئت بی‌طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی کرده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.

ز) ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی، پس از خاتمه درگیری تصدیق می‌گردد و در این خصوص، از دبیر کل درخواست می‌کند که یک هیئت کارشناسان را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت، تعیین کند.

ح) همچنین از دبیر کل درخواست می‌کند که، با مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، راه‌های افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مذاکره قرار دهد.

ط) از دبیر کل درخواست می‌کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه مطلع نماید.

ی) مصمم است برای بررسی اقدامات بیشتر جهت رعایت و اجرای این قطعنامه، در صورت ضرورت، جلسات دیگری مجدداً تشکیل دهد.

مطالب مهم در نامه‌های هاشمی رفسنجانی و صدام حسین

در مجموع صدام حسین شش نامه برای مقامات ایرانی فرستاد. در نامه‌های اول و دوم خطاب او در نامه آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است. اما در نامه‌های بعدی تنها رئیس جمهور وقت ایران یعنی آقای هاشمی را خطاب قرار داد.^۱

۱. در نامه اول در ۲ اردیبهشت ۱۳۶۹ (۲۲ آوریل ۱۹۹۰) صدام پیشنهاد می‌کند که ملاقاتی بین رهبران ایران و رهبران عراق صورت گیرد. با توجه به «اصل شتاب در کار نیک پسندیده است»، توصیه می‌کند که «در دومین روز عید مبارک فطر، ... در مکه مکرمه، قبله‌گاه مسلمانان و بیت عتیق، که مولایمان ابراهیم علیه‌السلام آن را بنا نهاده است»، جلسه تشکیل شود. وی می‌نویسد: «به اعتقاد ما در ملاقات مستقیمی که با هم خواهیم داشت، دستیابی به آنچه عراق حق تلقی می‌کند و آنچه ایران حق تلقی می‌کند، قابل تحقق است.»

۲. در همان زمان، یاسر عرفات، رئیس دولت فلسطین و رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین، در ۳ اردیبهشت ۱۳۶۹ (۲۳ آوریل ۱۹۹۰) با اعزام ابوخلد مشاور خویش به تهران پیام صدام حسین را به وزارت خارجه ایران تسلیم می‌کند. یاسر عرفات در نامه خود نوشته بود:

شرایط مورد اشاره معلول تصمیم مشترک بین‌المللی است که پس از دیدار سران شوروی و آمریکا در مالت، در مورد مهاجرت یهودیان شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی، اتخاذ شده است. تعداد مهاجرین یهودی طی ده سال آینده به پیش از ۳ میلیون نفر و با توجه به افزایش موالید، این تعداد به ۴ میلیون نفر خواهد رسید و بدین ترتیب، اسرائیل جدیدی در سراسر منطقه خاورمیانه قد علم خواهد کرد.

۳. آقای هاشمی پاسخ اولین نامه رئیس جمهور عراق را در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹ (دوم مه ۱۹۹۰) ارسال کرد. این نامه را سیروس ناصری، سفیر ایران در نمایندگی ملل متحد در شهر ژنو، به برزان تکرتی، برادر ناتنی صدام و سفیر عراق در ژنو، تسلیم کرد. در این نامه آقای هاشمی می‌نویسد:

اگر مطالبی که در این نامه آمده هشت سال پیش مورد توجه واقع می‌شد و ارسال پیام جای اعزام سرباز را می‌گرفت، امروز دو کشور ایران و عراق و شاید همه امت اسلامی با این همه خسارات و ضایعات مواجه نبود. ایران با امت عرب مشکلی ندارد و از همکاری صادقانه بعضی از دولت‌های عربی بهره برده‌ایم. آقای هاشمی عقیده داشت که در این جنگ سود اصلی به آمریکا رسید.

ما در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این به هیچ‌وجه تاکتیک نیست... ادامه اشغال بخشی از سرزمین ما می‌تواند حرکت ما را در راه تحصیل صلح جامع کند... ما مصمم هستیم که در راه صلح همانند دوران دفاع، اعتماد مردم را همراه داشته باشیم.

هاشمی رفسنجانی تمایل خود به تعیین نمایندگانی از دو طرف برای گفت‌وگو در زمینه و مقدمات تصمیم‌گیری بدون فوت وقت را اعلام کرد.

۴. هم‌زمان آقای هاشمی نامه‌ای برای یاسر عرفات ارسال کرد. در این نامه که در تاریخ سوم خرداد ۱۳۶۹ برای وی ارسال شد، آقای هاشمی تأکید بر حل مسئله فلسطین کرده و می‌نویسد:

۱. مجموع نامه‌ها از این منبع آورده شده است: هاشمی رفسنجانی، اکبر، متن نامه‌های مبادله‌شده بین رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشار، ۱۳۸۰.

رهبری و ملت انقلابی و مسلمان ایران بارها به‌صراحت مسئله فلسطین را مسئله خود دانسته و آمادگی خویش را برای بذل امکانات جهت احقاق حقوق این ملت مسلمان شجاع و مقاوم و مبارز اعلام داشته‌اند و جواب نامه مورد نظر شما به گونه‌ای که راه رسیدن به صلح پایدار و هماهنگی کشورهای اسلامی را در مقابل تهاجم صهیونیسم هموار سازد، داده شده و اگر طرف با حسن نیت اقدام نماید، به نتیجه می‌رسیم.

۵. نامه دوم صدام حسین در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ (۱۹ مه ۱۹۹۰) توسط برزان تکریتی تحویل سیروس ناصری شد. صدام حسین در ابتدا از لحن آقای هاشمی در نامه اول گله می‌کند. «پایان نامه شما خشن بود.» آقای هاشمی در پایان نامه آورده بود که «والسلام علی من‌التبع الهدی» که صدام فکر کرده بود که شاید مخاطب سلام نه او، بلکه هدایت شده‌ها هستند. او در ادامه آورده است که «ما در مکاتبه آنچه را حق خودمان می‌دانیم درج نکردیم، تا شما نیز به درج آنچه حق خود می‌دانید کشیده نشوید. چه، در غیراین‌صورت ممکن است آمادگی روانی شایسته برای استقبال طرفین از گفت‌وگوی مستقیم فراهم نشود. او ملاقات‌های برزان و سیروس ناصری در ژنو را مفید دانسته بود، اما بر ملاقات سران اصرار می‌کرد. صدام در ادامه یک جمله ادبی می‌آورد: «صلح عملاً از نقطه‌ای شروع می‌شود که رویش آن در روان بافندگان تاروپود صلح آغاز گشته و به‌صورت ثابتی در سینه‌ها جای گیرد.»

۶. دومین نامه جوابیه رئیس جمهوری اسلامی ایران در ۲۸ خرداد ۱۳۶۹ (۱۸ ژوئن ۱۹۹۰) ارسال می‌شود. ابتدا آقای هاشمی اظهار می‌کند که بهتر آن است که وقت را با نامه‌نگاری تلف نکنیم. سپس، تأیید می‌کند که آیت‌الله خامنه‌ای در مذاکره شرکت نخواهند کرد. آقای هاشمی از اینکه صدام فکر می‌کند که متولی امور فلسطینی و فلسطینیان و نیروهای مقاوم در مقابل تهاجم امپریالیسم است، انتقاد و اضافه می‌کند که: «بعید است تهیه‌کنندگان نامه از دلسوزی و پیشتازی جمهوری اسلامی ایران به این مسئله آگاه نبوده باشند و ندانند که هدف اول تهاجم استکبار، انقلاب اسلامی ایران است.» آقای هاشمی اضافه می‌کند که همچنان بخش‌هایی از ایران در اشغال نیروهای عراقی است. «اظهارات نامناسب در قطعنامه اجتماع سران عرب در بغداد در رابطه با مسائل قطعنامه ۵۹۸ و حقوق عراق و ایران» موجب رنجش هاشمی شده و می‌نویسد:

به‌خاطر مواضع منفی زمامداران سعودی نسبت به انقلاب اسلامی در گذشته و حال، قلمرو دولت عربستان در حال حاضر محل مناسبی برای مذاکرات صلح نیست.» در پایان، علاوه بر اینکه آقای سیروس ناصری به‌عنوان رئیس جمهور ایران در مذاکرات با برزان شرکت می‌کند، آورده شده است که «دبیرکل ملل متحد در جریان مذاکرات قرار خواهد گرفت.

۷. نامه سوم صدام در ۲۵ تیر ۱۳۶۹ (۱۶ ژوئیه ۱۹۹۰) به‌صورت کوتاه به دست سفیر عراق در ژنو تسلیم سیروس ناصری می‌شود. در این نامه صدام خطاب به آقای هاشمی پیشنهاد می‌کند که برای تسریع در راه صلح و قطع رویارویی و بحث درباره استواری صلح بین دو کشور و استفاده از نظریات طرف ایرانی درباره هر آنچه اجرای صلح را در عراق و ایران تسهیل کند، نماینده‌ای را به تهران اعزام کنند. آقای هاشمی به این نامه پاسخی نمی‌دهد.

۸. در پی پاسخ‌دادن به نامه قبلی صدام حسین، وی در ۸ مرداد ۱۳۶۹ (۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰)، نامه چهارم خود را برای تهران از طریق برزان تکریتی می‌فرستد. در این نامه ۱۷ صفحه‌ای، صدام مجدداً عبارات تند و تهدیدآمیز به کار می‌برد و به شروع مجدد جنگ بین دو کشور هشدار می‌دهد. وی تأکید می‌کند که برخورد به مسائل ماهوی بندهای قطعنامه ۵۹۸ به‌صورت یک‌جا و در یک چارچوب و به‌صورت تفصیلی می‌باید انجام شود. همچنین «شروع جنگ چه‌بسا از اموری که ساده به‌نظر می‌رسد به‌وجود می‌آید، مانند آتش‌سوزی مهیبی که از یک جرعه برمی‌خیزد.» وی نظر خود مبنی بر ملاقات فوری سران دو کشور را مجدداً مطرح

می‌کند و در ادامه به طول جبهه‌های جنگ ایران و عراق در خشکی به اندازه ۱۲۰۰ کیلومتر و در دریا به اندازه ۸۰۰ کیلومتر اشاره می‌کند و نهایتاً طرحی ۱۳ بندی پیشنهاد می‌کند که متضمن نکات متعددی است.

عقب‌نشینی طی مدت زمانی که از دو ماه از تاریخ تصویب نهایی توافق همه‌جانبه طرفین فراتر نرود صورت می‌گیرد و هر چه زمان کوتاه‌تر شود بهتر است..... مسئله اسرا را مشمول موافقت‌نامه‌های ژنو دانسته و آزادی آن‌ها می‌بایست براساس بندهای موافقتنامه مزبور انجام می‌گرفت و دو سال از زمان آزادی اسرا گذشته است. دو ماه می‌توانیم برای این کار در نظر بگیریم..... در مورد شط‌العرب: الف) حاکمیت کامل بر رودخانه متعلق به عراق باشد؛ ب) اعمال حاکمیت در شط‌العرب از سوی عراق توأم با اجرای شیوه خط تالوگ در زمینه کشتیرانی به نحوی که عراق و ایران از حق کشتیرانی، ماهیگیری، و شرکت در تنظیم امور کشتیرانی در شط‌العرب برخوردار بوده و سود حاصله از آن را تقسیم نمایند؛ ج) ارجاع مسئله شط‌العرب به حکمیت در چارچوب فرمولی که مورد توافق قرار می‌گیرد، همراه با تعهد قبلی مبتنی بر پذیرش نتایج حکمیت و تا زمانی که مرجع حکمیت اعلان رأی کند، لایروبی شط‌العرب براساس فرمول مورد توافق طرفین به قصد مهیا کردن آن برای کشتیرانی و بهره‌برداری آغاز می‌شود..... توافق بر حذف بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ از گفت‌وگوها و نادیده گرفتن قطعی آن، چراکه هیچ فایده‌ای برای صلح دربر ندارد..... اجرای همه گام‌های مورد اشاره قبل از اتخاذ تمامی اقدامات قانونی لازم برای تصویب آن به موجب قانون اساسی هریک از دو کشور... شروع نخواهد شد..... موافقتنامه آتی صلح بین عراق و ایران دربرگیرنده همه موارد توافق، از جمله موافقتنامه‌های سابق را که در طول تاریخ روابط دو کشور به تصویب رسیده دربر می‌گیرد. یک مرجع بین‌المللی که مورد توافق قرار خواهد گرفت، حسن اجرای موافقتنامه را تضمین کند، مثلاً شورای امنیت..... کمک‌های بین‌المللی موضوع بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ بالمناصفه بین عراق و ایران تقسیم شود..... سفارتخانه‌های دو کشور، که در سپتامبر ۱۹۸۷ تعطیل شده بودند، مجدداً بازگشایی گردند.

در نهایت، صدام برای آقای هاشمی و برای همراهان و کارکنان رهبری ایران آرزوهای خوب کرده بود. لازم به یادآوری است که در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ مصوب ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷، شورای امنیت از دبیر کل درخواست کرد در مشورت با ایران و عراق، موضوع احاطه بررسی مسئولیت مخاصمه را گروهی بی‌طرف پیگیری کنند و در اولین فرصت ممکن برای اجرای این درخواست به شورای امنیت گزارش دهند.^۱

۹. در ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ (سوم اوت ۱۹۹۰)، صدام پنجمین نامه خود را از طریق ژنو برای آقای هاشمی رفسنجانی ارسال کرد. در این نامه صدام حسین با اشاره به بحران کویت، ضمن انتقاد از موضع ایران، در مورد هرگونه دخالت یا اقدام ایران در این مسئله هشدار می‌دهد. «صبح جمعه ۳ اوت ۱۹۹۰ از خلاصه فعالیت سیاسی شما و شمه‌ای از آنچه از سوی دولت ایران صادر شد (بیانیه وزارت خارجه ایران و جلسه شما با فرماندهان نظامی و خبرهای منتشره آن)^۲ آگاهی یافتیم». او، ضمن تأکید بر پیشنهادهای خود در نامه قبلی، برای به حضور پذیرفتن نمایندگان عراق، یعنی وزیر امور خارجه و نماینده دائمی عراق در ژنو، اصرار می‌کند.

۱. در مورد نامه چهارم، گفتنی است که در محاسبه مرزهای دریایی بین دو کشور، صدام حسین ظاهراً سواحل کویت، عربستان، قطر و امارات در خلیج فارس را نیز جزو مرزهای عراق قلمداد می‌کند که بیانگر تصمیم عراق مبنی بر اشغال کویت و سواحل شرقی عربستان است؛ زیرا سه روز پس از ارسال نامه مذکور، در ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ (دوم اوت ۱۹۹۰)، ارتش عراق کویت را کاملاً اشغال نظامی کرد. ایران در فاصله کمتر از یک روز و زودتر از هر کشور دیگر منطقه، این اقدام عراق را محکوم کرد و خواستار عقب‌نشینی عراق از خاک کویت شد.

۲. منظور تشکیل شورای عالی امنیت ملی ایران در روز حمله صدام به کویت و اعلام محکومیت عراق و بی‌طرفی ایران است.

آقای رئیس جمهور، این اقدامات من کلاً به این جهت صورت می‌گیرد که یقین دارم جنگجویان قادرند همدیگر و مقاصد یکدیگر را سریع‌تر دریابند، اگرچه این صفت جنگجو بودن در جریان یک ستیز مسلحانه فی‌مابین آن‌ها به دست آمده باشد... از دشوارترین کارها و شاید هم خطرناک‌ترین آن‌ها این است که اندیشه و رفتار در برهه‌ای از زمان از هدف و یا اهدافی که به طریق مشروع برای دستیابی به آن‌ها می‌کوشد به هدف و یا اهدافی پا فراتر نهد که نه در تجزیه و تحلیل مردم‌شناسی مشروعیت دارد و نه در طرز تفکر کسانی که در طرف دیگر قضیه هستند... بی‌تردید و یا حداقل گمان من بر این است شما از انگیزه اظهاراتی که از صبح دیروز ۸/۲/۱۹۹۰، چه از درون چه از برون منطقه، ابراز می‌گردید آگاهید.

۱۰. سومین نامه آقای هاشمی در ۱۷ مرداد ۱۳۶۹ (۸ اوت ۱۹۹۰) در پاسخ به سه نامه سوم، چهارم و پنجم صدام با یک مقدمه و ۷ بند برای ژنو ارسال شد. در نظر هاشمی ملاقات دو رئیس جمهور فقط در شرایطی می‌توانست مفید باشد که مسائل مهم و کلیدی روشن و حل شده باشد.

در غیراین صورت شکست در مذاکرات دو رئیس جمهور می‌تواند آثار زیان‌بارتری بر صلح داشته باشد و آن را از دسترس دو کشور دورتر سازد... در نامه ۳۰ ژوئیه شما در مورد ابروند رود پیشنهادهایی مطرح شده که گرچه تنزلی از ادعاهای اعلامیه‌های قبلی شماست، لکن برای شما مشخص است که نمی‌تواند از جانب ما مورد پذیرش قرار گیرد... پیشنهاد مشخص ما مبنای قرار گرفتن معاهده ۱۹۷۵ برای مذاکرات صلح می‌باشد... زیرا بدون پای‌بندی به قراردادهای گذشته، علی‌الخصوص آن قراردادی که امضای خود شما را دارد، نمی‌توان انتظار داشت که اعتماد به آنچه امروز گفته می‌شود به وجود آید... برای عقب‌نشینی از اراضی اشغالی ایران سقف زمانی دو ماه در نظر گرفته شده که غیر قابل توجیه است. زیرا این کاری است که اگر با حسن نیت بخواهد انجام گیرد در ظرف یکی دو روز قابل انجام است... شگفت‌آور است که با تمسک به عروبت از موضع حق ما در خصوص اشغال خاک کویت به دست ارتش عراق انتقاد شده، حال آنکه بدیهی‌ترین مسائل، از جمله زمینه‌سازی برای حضور گسترده‌تر نیروهای خارجی در منطقه، سلب آسایش و آرامش و ایجاد مشکلات برای مردم مسلمان، تضامن اسلامی، همجواری، به هم خوردن ثبات و امنیت منطقه، تغییر شرایط جبهه‌ها و تعهدات بین‌المللی مورد غفلت قرار گرفته است.» آقای هاشمی ضمن نوشتن چند آیه از قرآن کریم خاطر نشان می‌سازد: «برای هر مسلمانی کافی است که در موضع‌گیری‌های خود علائق نژادی، جغرافیایی و زمانی را تحت الشعاع اصول اسلامی قرار دهد.

هاشمی با یادآوری حمایت‌های بی‌دریغ کویت از عراق در جنگ هشت‌ساله می‌نویسد: «شما بهتر از دیگران از سیاست‌های دولت کویت در طول جنگ و مراتب ظلم آن‌ها نسبت به انقلاب اسلامی ایران آگاهی دارید، اما موضع‌گیری ما نه در ارتباط با افراد، بلکه برخاسته از اصول ماست.» او مجدداً به محکوم کردن عراق در تجاوز به کشور همسایه‌اش کویت می‌پردازد:

بی‌تردید در موقعیت و شرایط مذاکرات صلح بین دو کشور، تهاجم غیرقابل تصور به یک کشور همسایه بدون کوچک‌ترین اطلاع و هماهنگی، آن هم با آثار و تبعات فوق‌العاده آن در رابطه با ما، می‌تواند اعتماد ما را سست سازد و تردید جدی در انگیزه‌های مذاکرات چند ماهه اخیر ایجاد نماید.

و درباره بی‌اعتمادی، مخالفت مسئولان عراقی در «مسئله کوچکی چون خاموش کردن حریق چاه‌های نفتی که جز اتلاف سرمایه میهن اسلامی نتیجه‌ای برای شما ندارد را شاهدیم.» در نهایت، آقای هاشمی لحن نامه صدام را مناسب با شرایط لازم در جریان مذاکره نمی‌داند و مجدداً به یکی از اصول انقلاب اسلامی بازمی‌گردد:

ثابت کرده‌ایم که بیش از هر چیز روی ایمان و مقاومت و حمایت مردم حساب می‌کنیم و قهر و لطف دیگران را دارای آن‌چنان ارزشی نمی‌دانیم که برنامه زندگی و موضع‌گیری‌ها و تصمیمات مهم را براساس آن قرار دهیم. نکته نهایی آن است که هاشمی صدام حسین را تهدید می‌کند که اگر عهدنامه ۱۹۷۵ را نپذیرد، جریان تبادل نامه‌ها و مذاکرات جاری متوقف خواهد شد. «قابل تصور نیست آنچه که با جنگ هشت‌ساله حاصل نشد در مذاکرات قابل تحقق باشد... لازم نیست برای مشخص کردن مرزها در زمین و رودخانه به دنبال چیزی جز معاهده ۱۹۷۵ باشیم.» اما هاشمی تأکید می‌کند نقطه ارتباط در ژنو را حفظ می‌کنیم.

۱۱. در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) صدام ششمین نامه خود را برای آقای هاشمی ارسال می‌کند.

با پیشنهاد شما در نامه آخر که... از آقای سیروس ناصری دریافت شد و ناظر به لزوم مبنی‌قراردادن عهدنامه ۱۹۷۵ می‌باشد، ضمن مرتبط دانستن آن با اصول مندرج در نامه ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰ ما، به‌ویژه در مورد مبادله اسرا و بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت موافقت می‌شود... آماده‌ایم هیئتی را به تهران اعزام کنیم و یا هیئتی از سوی شما به بغداد سفر کند تا ضمن تهیه موافقتنامه‌های مربوط، موجبات امضای آن را در سطحی که مورد توافق قرار می‌گیرد، فراهم نمایند.

بحران ناشی از اشغال کویت و فشارهای تبلیغاتی علیه عراق در سطح منطقه و به‌خصوص اعتراض کشورهای غربی موجب شد که صدام احساس کند بهتر است با خواسته‌های ایران موافقت کند. پس از گذشت ده سال از پاره کردن عهدنامه حسن همجواری و مرزهای دولتی مابین دولت شاهنشاهی ایران و جمهوری عراق توسط رهبر عراق، در یک چرخش آشکار، صدام حسین مجبور شد عهدنامه را بپذیرد. «به نشانه حسن نیت ما عقب‌نشینی خود را از روز جمعه ۱۷ اوت آغاز می‌کنیم... مبادله فوری و همه‌جانبه اسرای جنگی از همان روز مبادرت خواهیم کرد.» و سپس این‌گونه نامه خود را پایان می‌دهد: «برادر علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، با این تصمیم ما دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب همه آنچه را می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید تحقق می‌یابد. چه بسا در جهاتی همکاری کنیم که در نتیجه آن خلیج به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگان‌ها و نیروهای بیگانه، که در کمین ما نشست‌اند» مبدل شود. مضافاً اینکه همکاری مزبور می‌تواند شامل جنبه‌های دیگر زندگی شود.»

۱۲. در ۲۷ مرداد ۱۳۶۹ (۱۸ اوت ۱۹۹۰) و پس از دریافت ششمین نامه صدام حسین، آقای هاشمی پاسخ نامه وی را داد. «اعلام پذیرش مجدد معاهده ۱۹۷۵ از سوی شما راه اجرای قطعنامه و حل اختلافات در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ و تبدیل آتش بس موجود به صلح دائم و پایدار را هموار ساخت... عقب‌نشینی و آزادی اسرا در موعد مقرر شروع خواهد شد.» وی خاطر نشان کرد که برای پذیرش نمایندگان شما در تهران آمادگی داریم.

۱۳. نهایتاً پس از ۱۲۰ روز و با تبادل مجموعاً ۱۲ نامه بین رؤسای جمهور ایران، عراق و رئیس دولت فلسطین، مرحله جدید یعنی عادی‌سازی روابط دو کشور ایران و عراق آغاز شد.

چند نکته در مورد روان‌شناسی سیاسی هاشمی رفسنجانی

در خلال نامه‌نگاری رئیس جمهور عراق و رئیس جمهور ایران می‌توان به برخی از شاخصه‌ها و وضعیت روحی و فکری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پی برد. من در اینجا چند به چند نمونه از آن اشاره می‌کنم.

باورداشتن اصول اسلامی

۱. در آغاز کتاب یکی از دانشمندان دربارهٔ باور آمده: «باور چیزی است که ما انسان‌ها به بهترین شکل از عهده‌اش برمی‌آیم»^۱ بی‌تردید، سریعاً به باورها شکل می‌دهیم، اما اینکه چگونه چنین می‌کنیم و تا چه حد خوب از عهدهٔ آن برمی‌آیم مسئلهٔ دیگری است. باور هاشمی به اصول اسلامی و اعتقاداتش او را وادار می‌کرد تا آنجا که ممکن است از اصول این دین تخطی ننماید. به همین علت، در جای‌جای نامه‌های خود به صدام از آیات قرآنی استفاده می‌کند.

۲. او نگاه ویژه‌ای به جهان اسلام دارد. علاوه بر فعالیت‌های علمی قبلی او در زمینهٔ جهان اسلام که به‌خصوص در کتاب *جهان در عصر بعثت* و سفر تاریخی او به نقاط تاریخی مرتبط با تاریخ اسلام در عربستان سعودی منعکس است،^۲ در این نامه‌ها نیز او به سرنوشت جهان اسلام توجه کرده و از صدام به علت استفادهٔ نادرست از سرنوشت جهان اسلام و امت عربی انتقاد می‌کند.

ارزش‌ها

۱. برای هاشمی ارزش‌ها چراغ راه بود و در نقشهٔ ذهنی او همواره به آن‌ها توجه می‌شد. در سراسر نامه‌ها به مسئلهٔ فلسطین توجه خاص شده است. در حالی که صدام هم در آن زمان خود را در جبههٔ مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی می‌دانست، اما برای هاشمی تأکید بر مسئلهٔ فلسطین یک ارزش تلقی می‌شد.

۲. نکتهٔ دیگر، اولویت دادن به منافع ملی ایران است. کوچک‌ترین منفعت از جمله خاموش کردن یکی از چاه‌های نفتی ایران در نزدیکی مرز تا یکی از بزرگ‌ترین منافع ایران، یعنی حاکمیت بر اروندرود، برای او اهمیت دارد.

۳. موضوع دیگر، تأکید چندباره بر محکومیت رفتار صدام در قبال کویت است. تجاوز یک کشور به کشور دیگر از نگاه هاشمی یک عمل نامقبول محسوب می‌شود. کویت در جریان جنگ عراق و ایران، تمامی تأسیسات بندری خود را در اختیار این کشور قرار داده بود. همچنین تخمین زده می‌شود که ۳۰ میلیارد دلار، در جریان جنگ، از کویت به عراق پرداخت شده بود. به تناوب نیز دولت کویت، در مذاکرات دوجانبه و چندجانبه و سازمان‌های بین‌المللی، ایران را محکوم می‌کرد. در جنگ نفتکش‌ها نیز کویت عامل اصلی برای به میان آوردن پای قدرت‌های بزرگ، از جمله اتحاد شوروی و فرانسه، به آب‌های خلیج فارس بود.^۳ اما در نامه‌های آقای هاشمی حرکت صدام در قبال کویت تجاوز دانسته شده و آن را محکوم کرده است. در نامهٔ چهارم در سه بخش مختلف، صدام به خاطر حملهٔ نظامی به کویت سرزنش می‌شود.

۱ Michael Gazzaniga, *The Social Brain: Discovering the Networks of the Mind*, (New York: Basic Books, 1985), p. 3.

۲ جرویس، رابرت، چگونه دولت‌مردان فکر می‌کنند؟، ترجمهٔ عباس ملکی و دیگران، در دست انتشار: ۱۳۹۶، ص ۵.

۳ باهنر، محمدجواد، و اکبر هاشمی‌رفسنجانی، *جهان در عصر بعثت*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ (چاپ پانزدهم).

۴ http://articles.chicagotribune.com/1987-02-08/news/8701100421_1_bubiy-an-island-iranian-retaliation-iranian-

طرز تلقی‌ها

۱. هاشمی دارای ایستارهای مخصوص به‌خودش بود. از جمله کمتر می‌ترسید. زندگی او نشان می‌دهد که چگونه در برابر شکنجه‌های ساواک ایستادگی کرده است. همچنین در جنگ تحمیلی، او اکثراً در نزدیکی جبهه‌ها جنگ را فرماندهی می‌کرد. طی نامه‌نویسی به صدام این موضوع مشخص است. البته این نترسیدن آگاهانه بود. آنجا که منافع کشور در میان بود، حساسیت و نگرانی‌های او اوج می‌گرفت.

۲. توانمندی این سیاست‌ورز نیز تا اندازه‌ای در خلال نامه‌ها مشخص است. در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰، ارتش عراق قدرت بی‌نظیری در منطقه خاورمیانه داشت. عراق از ابتدای جنگ قوی‌تر شده بود. بخشی از آن به‌علت کمک‌های بدون محدودیت شرق و غرب به صدام بود. در ابتدای جنگ، عراق تنها معاهده استراتژیک منعقد در سال ۱۹۷۲ با اتحاد شوروی را داشت. در انتهای جنگ، عراق یکی از ارتش‌های مجهز جهان را داشت. هم سلاح‌های بلوک شرق و هم سلاح‌های بلوک غرب، از جمله هواپیماهای مدرن فرانسوی را در اختیار داشت. دولت آمریکا علاوه بر تحویل بالگردهای کبرا در صدد پرداخت یک میلیارد دلار وام به عراق برای نوسازی بود. اما برخورد هاشمی با چین کشور، استفاده بهینه از فرصت‌ها بود. از معاهده ۱۹۷۵ تا قطعنامه ۵۹۸ و مسئله فلسطین همه‌وهمه در دستان توانای او مانند موم برای حداکثرکردن منافع ملی ایران به کار برده می‌شدند.

۳. نقشه ذهنی هاشمی رفسنجانی مانند پازلی بود که اکثر قطعات آن چیده شده بود. او در این نامه‌ها در پی آن است که تهدید را از مرزهای ایران دور کند و تمامیت ارضی ایران را مجدداً محقق سازد. همچنین در قطعه‌ای دیگر او به دنبال شناسایی عامل شروع‌کننده جنگ و تعیین متجاوز بود و در قطعه‌ای دیگر بازسازی و توسعه ایران. کنار هم چیدن این قطعات در ذهن او میسر شده بود.

۴. همان طور که گفتیم ادراک تنها یک پدیده روانی- فیزیولوژیک نیست، بلکه یک پدیده روانی-اجتماعی است. درک هاشمی رفسنجانی از رفتار صدام حسین و دولت عراق مبتنی بر تجربیات او در گذشته بود. او در گذشته جامعه عراق و همچنین کشورهای متعدد دیگری را دیده بود و از طرف دیگر، با چندوچون ادراک دیکتاتورها از جهان خارج از ذهن خودشان آشنایی داشت. سال‌های زندان و شکنجه به او آموخته بودند که در نگاه یک دیکتاتور چگونه هر موضع ساده می‌تواند به ادراکی از تهدید ترجمه شود. به همین سبب، در نامه‌های خود سعی بر آن داشت که از اضافه کردن مفاهیم و موضوعات غیراستراتژیک خودداری کند. درحالی‌که در آن دوره صدها و صدها موضوع و حادثه بود که می‌توانست در نامه‌های هاشمی انعکاس داشته باشد و براساس آن صدام را متهم و یا از او گله‌گذاری کند.

۵. گفته شد که در روابط بین‌الملل ادراک از تهدید مهم شمرده می‌شود. سوءبرداشت از آن چیزی که تهدید نیست، موجب گمراهی برخی از رهبران در تصمیم‌گیری می‌شود. دولتمردان، در خلال جنگ، زیر فشارهای روان‌شناختی سنگینی قرار می‌گیرند که این امر بر کیفیت فرایند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. هرچند پیش‌بینی سرشت این تصمیم‌ها کار دشواری است، ولی به‌نظر می‌رسد بروز خطاها، احتمال جنگ را افزایش می‌دهد. در دوره‌ای که نامه‌های صدام می‌رسید، علائم دیگری نیز از عراق آشکار می‌شد. در جبهه جنگ، پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، عراق دست به حمله‌ای سنگین زد. روز اول مرداد ۱۳۶۷، ارتش عراق به

مرزهای استان ایلام حمله کرد. آن‌ها میمک را اشغال کردند و به ۳۰ کیلومتری شهر ایلام رسیدند. در دوم مرداد ۱۳۶۷، سازمان مجاهدین خلق، یکی از مخالفان اصلی نظام جمهوری اسلامی با همکاری و پشتیبانی ارتش عراق، عملیات سه روزه‌ای را بر علیه ایران و برای فتح تهران، با نام فروغ جاویدان، آغاز کرد. آنان سپس به سمت کرمانشاه حرکت کردند تا به گردنه چهارزبر یا همان تنگه مرصاد رسیدند. ارتش عراق سه روز پس از اینکه ایران قطعنامه را پذیرفت، هجوم خود را از منطقه کوشک به خوزستان آغاز کردند و مجدداً جاده اهواز - خرمشهر را تصرف کرد و سعی کردند خرمشهر را دوباره محاصره کنند.^۱ از سوی دیگر، در بازار جهانی نفت صدام حسین به شدت به رفتار کویت و عربستان سعودی مشکوک شده بود. به نظر صدام این دو کشور با سرازیر کردن نفت خام تولیدی خودشان، بیشتر از سهمیه اوپک، قیمت نفت را تا زیر ۱۷ دلار هر بشکه پایین آورده‌اند تا عراق نتواند، پس از جنگ با ایران، به نوسازی خود برآید.^۲ همچنین رفتارهای مشکوک دیگری نیز در همین ماه‌ها از عراق سرزده بود. فرزند بازفت خبرنگار نشریه آبرور انگلستان به ناگهان به دستور دولت عراق اعدام شد. در سال ۱۹۹۰، وی در سفری به عراق به علت دنبال کردن کامیون‌هایی با بار لوله‌های مخصوص، که ارتش آن‌ها را اسکورت کرده بود، به دست نیروهای امنیتی رژیم صدام حسین دستگیر و در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۹۰، در زندان ابوغریب، به جرم جاسوسی به دار آویخته شد. جنازه او در یک صندوق چوبی برای خانواده‌اش فرستاده شد.^۳ در چنین شرایطی اعتماد کردن به صدام خطر بزرگی بود. خصوصاً آنکه مسئولین عراقی در مذاکرات نیز از ابراز تهدیدات متفاوت و معتنابه دریغ نمی‌کردند.

۶. همان‌طور که گفته شد، روان‌شناسان ادراک را نوعی از هشیاری یکپارچه، حاصل از مجموعه‌ای از فرایندهای حسی و در واکنش به یک انگیزتار یا محرک، تلقی می‌کنند. مجموعه ادراکات فردی به شکل مؤثر می‌تواند منجر به تعریف یک وضعیت ادراکی جمعی شود و از این دیدگاه می‌توان برداشت کرد که ادراک از تهدید، یا به عبارتی خود تهدید، یک سازه اجتماعی است که حاصل تعامل عمومی و خصوصی افراد، متخصصان، نخبگان سیاسی و تصمیم‌سازان سیاسی است. هاشمی‌رفسنجانی برای ارزشیابی ادراک خود از رفتار عراق، به ابزارهای متعددی متوسل شد. علاوه بر مشورت با مقام معظم رهبری، در آن دوره شورای عالی امنیت ملی به شدت فعال بود. جلسات متعددی، با دستور جلسه نامه‌های صدام و حمله عراق به کویت، به ریاست هاشمی‌رفسنجانی تشکیل شد. ستاد سیاسی جنگ تحمیلی در وزارت امور خارجه تلاش می‌کرد تا همه اطلاعات و تحلیل‌ها را از کشورهای مختلف جمع‌آوری کند. حتی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی نیز طی اطلاعیه‌ای از متخصصان و عموم مردم درخواست کرد که اگر اطلاعاتی در زمینه مرزها، قراردادها و یا حوادث اتفاق افتاده بین ایران و عراق دارند، با آن دفتر تماس بگیرند.

۷. گفته شد بیشتر پژوهش‌ها نشان‌دهنده وجود رابطه غیرخطی میان تنش و کیفیت تصمیم‌گیری‌اند. در دوره تنش، هرچند اطلاعات فراوان‌اند، روشن نیستند. فشار زمانی بسیار مهم است. تصمیم‌ها باید فوری گرفته شوند. افرادی که ناچار خواهند بود ساعت‌ها کار کنند، با کمبود زمان برای استراحت و انرژی، مواجه خواهند بود و آگاهی از این امر که میلیون‌ها نفر ممکن است جان خود را به خاطر دستورهای تصمیم‌گیران از دست بدهند، فشارهای باورنکردنی ایجاد خواهد کرد. هاشمی‌رفسنجانی از محدود مدیرانی بود که فشارهای امور پرتنش بر او کمتر تأثیر می‌گذارد. همکاران او در جریان مبارزه علیه رژیم شاه، خاطرات خود را در

۱ پذیرش قطعنامه - پایان جنگ - نبود <http://defamoghaddas.ir/fa/news/>

۲ جنگ - پس از قطعنامه ۵۹۸ - امام - گفتند به آقا - محسن - بگویند - که - یا - سپاه - یا - خرمشهر <http://sedayiran.com/fa/news/>

۳ https://inflationdata.com/Inflation/Inflation_Rate/Historical_Oil_Prices_Table.asp

۴ www.bbc.com/persian/iran-38638277

این زمینه بیان کرده‌اند.^۱ در دوره جنگ ایران و عراق نیز او تلاش می‌کرد تا دیگر فرماندهان را از به‌دام‌افتادن در بحران‌های روان‌شناختی برهاند.^۲

هنجارها

۱. نرم‌ها یا هنجارها رفتارهای معینی هستند که بر پایه ارزش‌های اجتماعی قرار دارند. ارزش‌های اجتماعی رفته‌رفته به‌صورت هنجارهای اجتماعی درمی‌آیند و با رعایت کردن آن‌ها جامعه انتظام می‌یابد. هنجارهای اجتماعی شیوه‌های رفتاری معینی است که در گروه یا جامعه متداول است و فرد در جریان زندگی خود آن را می‌آموزد، به کار می‌بندد و نیز انتظار دارد که دیگر افراد گروه یا جامعه آن را انجام دهند. هاشمی در عین حال که در استدلال جدی است، اما به طرف مقابل توهین نمی‌کند. در جنایت بزرگ صدام و شهید و مجروح کردن صدها هزار جوان ایرانی شکی نیست، اما آقای هاشمی محترمانه با او برخورد می‌کند. حتی محترمانه‌تر از مبتکر نامه‌نویسی که هنجار آن است که او باید بیشتر مواظب باشد.

۲. گفته شد که شخصیت تصمیم‌گیرنده و مکانیسم‌های روانی اندیشیدن، به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز در تصمیم‌گیری، مطرح می‌شوند. نامه‌های هاشمی رفسنجانی نشان از موقعیت او در فضای اجتماعی آن زمان می‌داد. برخی معتقدند که اندیشه انسان و در نتیجه، تصمیم‌گیری‌های او، تابع مجموعه‌ای از عوامل مختلف است. اول اینکه انسان و تصمیم‌گیری‌های انسان تحت تأثیر موقعیتش در فضای اجتماعی است. دوم، مدیر در تصمیم‌گیری از گروه‌های برون‌سازمانی الگوگیری می‌کند و حتی برخی اوقات از افراد خارج از سازمان هویت‌پذیر می‌شود. سوم، در انسان‌ها تمایل به نزدیک‌بینی ذهنی وجود دارد و چهارم، انسان غالباً به ساده‌سازی علل سببی می‌پردازد.

ویژگی‌ها

۱. برداشت طرف مقابل از آقای هاشمی این بود که این فرد در کار خود جدی است. عراقی‌ها می‌دانستند که ویژگی شخصیتی هاشمی آن است که در شرایط سختی و فشار ایستادگی می‌کند و در میانه مشکلات فلج و دودل نمی‌شود.

۲. همچنین اتکای به مردم از جمله مواردی است که در خلال نامه‌ها به‌خوبی مشهود است. مردم‌سالاری در نگاه این سیاستمدار، به‌صورت جدی، از راه‌های برون‌رفت از دام صدام است. او به‌خوبی خاطر نشان می‌سازد که مردم ایران همچنان آماده دفاع از کشورند.

۳. نکته دیگر در رفتار سیاسی هاشمی آمادگی پرداخت هزینه است. در نظریه‌های روان‌شناسی سیاسی بین دو مفهوم تمایز قائل‌اند. اقتصاددانان و دانشمندان علوم سیاسی بین دو مفهوم نشانه‌های هزینه‌بر^۳ و حرف مفت^۴ تفاوت قائل شده‌اند. ادعای پایه در این مورد را شیلینگ مطرح کرد. او به صورت شهودی می‌گوید رفتاری که هیچ هزینه‌ای دربر نداشته باشد از هر نوع بازیگری برمی‌آید و در نتیجه، ستاده‌ای به همراه ندارد. مثلاً بیان اهداف و مقاصد کار ساده‌ای است، چراکه هم صدام و هم سیاستمداری که

^۱ <https://www.isna.ir/news/> خدا سزای صبر هاشمی را در تشییع باشکوهش داد

^۲ www.afkarnews.ir/.../266967 ناگفته‌های هاشمی از جنگ ایران عراق

^۳ Costly signals

^۴ Cheap talk

به واقع متعهد به صلح است به میزان یکسانی می‌تواند ادعای اهداف صلح‌طلبانه داشته باشد. این یعنی تصمیم‌گیران باید رفتارهایی را در پیش بگیرند که انجام آن‌ها هزینه داشته باشد. چنین رفتارهایی به راحتی نمی‌تواند برای فریب‌دادن به کار گرفته شود: بازیگری که می‌خواهد و می‌تواند به طرز خاصی رفتار کند، بازیگری است که توانایی و انگیزه لازم برای فرستادن چنین نشانه‌های هزینه‌بری را دارد. این ایده به طور کلی درست است که پرداخت هزینه‌های زیاد موجب پدیدآمدن فرایندهای روانی، اجتماعی و سیاسی می‌شود که اهداف، جهان‌بینی، خودشناسی و سایر مبانی رفتاری یک بازیگر را تغییر می‌دهد. در فضای سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹، این موضوع که ممکن است نامه‌نویسی صدام فریبی بیش نباشد به شدت مطرح بود. هاشمی‌رفسنجانی در مقدمه کتاب *متن نامه‌های مبادله‌شده* می‌نویسد: «ابتدا با ناباوری با این ادعا (نامه اول صدام و نامه یاسر عرفات) برخورد شد چون وضع ما و عراق در شرایطی نبود که با عرف دیپلماتیک، ارسال پیک و نامه قابل توجیه باشد. بررسی‌های ابتدایی از لحاظ درستی مضامین و امضای نامه و مهر و آرم و شناخته‌شده بودن حامل نامه، که در ضمن نامه عرفات را نیز حمل می‌کرد، اطمینان نسبی ما را در خصوص صحت ادعا جلب کرد... گرچه در گذشته آقای صدام حسین چندبار از طریق نمایندگی‌های عراق در آلمان، سوئیس، و جاهای دیگر اقدام کرده بود، و پیشنهاد مذاکره حضوری و رودرروی رؤسای دو کشور را داده بود، اما تا مرحله مذاکره مقدماتی در سطح رؤسای نمایندگی پیش رفته بودیم و ابتکار آن بی‌سابقه نبود. ولی ویژگی‌های مضامین نامه کافی بود که مطلب را جدی بگیریم که گرفتیم. با مشورت و دقت همه‌جانبه جواب تهیه شد و از طریق نمایندگی در ژنو به نمایندگی عراق در آنجا تحویل شد.»^۲

۴. یکی دیگر از ویژگی‌های هاشمی‌رفسنجانی، تخصص او در تصمیم‌گیری در میان عدم قطعیت‌هاست. گفته شد که تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان کامل برای زمانی است که مشکل موجود شامل تعدادی از عدم قطعیت‌ها و یا متغیرهای غیرقابل کنترل نیز می‌شود. در عین حال، اطلاعاتی از گذشته به منظور پیش‌بینی برای این متغیرها در دسترس نبود و از این رو، محاسبه احتمال وقوع برای آن‌ها ممکن نیست. تاکنون وضعیتی مشابه پایان جنگ برای هاشمی رخ نداده بود. در تاریخ نیز چنین تجربه‌ای کمتر وجود داشت. صدام دیکتاتوری منحصربه‌فرد بود که در سطور بعدی به آن خواهیم پرداخت. انقلاب اسلامی پدیده یگانه و یکی از پنج انقلاب کبیر در جهان مدرن بود. اعراب، به استثنای رهبران معدودی، از تجاوز عراق به خاک ایران حمایت کردند. قدرت‌های جهانی نیز در انتهای جنگ در پشت صدام بودند. از پنج عضو دائم شورای امنیت همگی در عراق منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی داشتند و مایل نبودند که عراق در جنگ با ایران شکست بخورد. چنین وضعیت منحصربه‌فردی، تصمیم‌گیری راجع به اعتمادداشتن به صدام و نامه‌های او را کاملاً خطرپذیر می‌کرد.

۵. با همه این‌ها، هاشمی‌رفسنجانی یک نویسنده است و طرف مقابل او یک نظامی. صدام در نامه‌های خود برای نزدیک شدن به هاشمی می‌گوید: «آقای رئیس جمهور، این اقدامات من کلاً به این جهت صورت می‌گیرد که یقین دارم جنگجویان قادرند همدیگر و مقاصد یکدیگر را سریع‌تر دریابند. اگرچه این صفت جنگجویان در جریان یک ستیز مسلحانه فی‌مابین آن‌ها به دست آمده باشد.» اما آقای هاشمی در این دام صدام نیز نمی‌افتد و، در پاسخ، دوباره به اصول اسلامی و انسانی اشاره می‌کند.

۱ جرویس، ص ۶۴.

۲ ولایتی، علی‌اکبر، *تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، صص ۴۴۸-۴۴۹.

روش‌ها

۱. هاشمی رفسنجانی روش‌های مخصوص به خود داشت. یکی از آن‌ها استفاده از نظریه بازی بود. نظریه بازی‌ها حوزه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در بستر علم اقتصاد توسعه یافته و به مطالعه رفتار راهبردی بین عوامل عقلانی می‌پردازد. رفتار راهبردی، زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل، نه فقط با راهبرد انتخاب شده به دست خود وی، بلکه با راهبرد انتخاب شده بازیگران دیگر همبستگی داشته باشد. زندگی روزمره ما، مثال‌های بی‌شمار از چنین وضعیت‌هایی است که از جمله آن‌ها می‌توان به مذاکرات تجاری بین دو کشور، جنگ تبلیغاتی بین دو شرکت رقیب، رأی‌دادن دو سهامدار، بازی بین استاد و دانشجو برای تعیین کیفیت درس، بازی دولت و شهروندان برای اعلام و پذیرش سیاست‌ها اشاره کرد.

۲. سیاست، به خصوص سیاست بین‌الملل، جایی در تقاطع بین روان‌شناسی سیاسی و نظریه بازی قرار دارد. نظریه بازی از این‌رو ضروری و حیاتی است که از یک طرف، خروجی‌ها و پدیده‌ها نتیجه برهم‌کنش سیاست‌های جداگانه ملی (اقدامات و استراتژی‌های هر کشور/ واحد تصمیم‌گیر) است و از طرف دیگر، هر بازیگر به دنبال آن است که رفتار دیگران را پیش‌بینی کند (با در نظر گرفتن اینکه آن‌ها هم به نوبه خود به دنبال پیش‌بینی رفتار او هستند) و نظریه بازی به هر دوی این جنبه‌ها می‌پردازد. اما اگر بپذیریم که واکنش‌ها، پیش‌بینی‌ها و پیش‌بینی واکنش‌ها موتور محرک سیاست‌اند، این را هم باید قبول کنیم که اعتقادات، ادراک‌ها و تصاویر ذهنی‌ای را که به این واکنش‌ها و پیش‌بینی‌ها روح می‌بخشند با فرضیات به شدت ساده شده و شواهد سطحی نمی‌توان فهمید. اینکه علامت‌ها و شاخص‌ها چگونه فهمیده شوند به نیازها، نظریه‌ها و انتظارات ادراک‌کننده بستگی دارد.^۲

۳. آقای هاشمی در مورد رفتار صدام در نامه‌نویسی حدس‌های مختلفی می‌زد. در مقدمه کتاب متن نامه‌های مبادله شده می‌نویسد: گرچه در تحلیل‌ها و بررسی‌های مربوط به انگیزه طرف مقابل در ارائه این ابتکار و عجله غیرمعمول در ادامه کار، ضمن احتمالات فراوان دیگر، احتمال مشکل‌داشتن با همسایه‌های عرب خود و به‌ویژه کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس مطرح بود، ولی بعضی احتمالات دیگر از قبیل مشکل‌داشتن با کشورهای صنعتی طلبکار عراق و به‌خصوص آمریکا و فرانسه و یا مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی ناشی از دوران طولانی جنگ بی‌ثمری که خود راه انداخته بود و طولانی‌شدن دوره اسارت ده‌ها هزار اسیر عراقی، که عمدتاً در سال‌های اول جنگ اسیر شده بودند و مخارج گزاف نگه‌داری از این همه نیرو، به‌خاطر دوران نه جنگ و نه صلح به‌عنوان عوامل این حرکت توجه را جلب می‌کرد و کمترین اهمیت را بر احتمال پیش‌آمدن جنگ با حامیان دیروز و آن روز عراق می‌دادیم.^۳

۴. هاشمی رهبر تک‌نقطه‌ای نبود. او تصمیم‌گیری را یک جریان مداوم ذهنی و همچنین سازمانی می‌دانست. در اینجا منظور از سازمان همان نظام جمهوری اسلامی ایران است. او در جای‌جای نامه‌های خود به عهدنامه حسن همجواری و مرزهای دولتی منعقد در ۱۹۷۵ اشاره می‌کند. برای او مهم نیست که چه رژیم و یا چه فردی آن قرارداد را از طرف ایران مطرح و یا امضا کرده است. مهم آن است که تداوم در سیاست خارجی ایران حفظ شود.

۱. با این‌حال باید گفت مواردی وجود دارد که افراد یا دولت‌ها رفتار استراتژیک طرف مقابل را نادیده می‌گیرند و فرض می‌کنند طرف مقابل مانند هواپیمایی که در حالت هدایت خودکار است عمل خواهد کرد و واکنشی به رفتار او نخواهد داشت. چنین مواردی استثنایی و کم‌اند، اما چون اغلب منجر به فاجعه می‌شوند بررسی آنها مهم است.

۲. جرویس، صص ۳۶-۴۱.

۳. ولایتی، صص ۴۷۲-۴۷۳.

۵. روش او در تصمیم‌گیری همچنان بر پایه سیاست‌گذاری است. او در پی آن است که رهبر عراق را وادار کند تا به حقانیت مسیر مردم ایران در مقاومت در برابر تجاوز عراق اعتراف کند و تمکین نماید. سیاست او یک سیاست مداوم ولی تدریجی است. نگاهی به مواضع اولیه مذاکره‌کنندگان عراقی در نیویورک و ژنو و آخرین نامه صدام حاکی از آن است که مقامات ایرانی، و به‌ویژه آقای هاشمی، از یک سیاست‌گذاری با هدف واحد اما روش‌های متنوع استفاده کرده‌اند.

طرف مقابل

طرف مقابل نامه‌نویسی‌ها صدام حسین است. او هم در نوع خودش شخصیتی بی‌نظیر بود. او در زیر فشار نیروهای ایرانی در زمانی که معاون نخست وزیر بود، عهدنامه حسن همجواری و مرزهای دولتی مابین ایران و عراق را در مارس ۱۹۷۵ امضا کرد. در این عهدنامه خط مرزی ایران و عراق در آب‌های اروندرود براساس خط‌القعر (تالوگ) تعیین شد. همچنین دو کشور موافقت کردند که از رخنه‌های اخلاص‌گران در مرزهای دو کشور جلوگیری کنند. نسخه اصلی این پیمان هم‌اکنون در زمره یکی از اسناد سازمان ملل متحد در مقر آن نگه‌داری می‌شود. این عهدنامه برای صدام ناراحت‌کننده بود، طوری که پس از قبضه کردن کامل قدرت در عراق در ۱۹۷۹، در سپتامبر ۱۹۸۰ احساس کرد که می‌تواند این پیمان را زیر پا بگذارد. او یک‌طرفه آن را پاره کرد و در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، به‌صورت وسیع و همه‌جانبه به خاک ایران حمله کرد. در متن نامه‌های مبادله‌شده دیدیم که برخلاف مقاومت صدام برای پذیرش این قطعنامه، نهایتاً او ناچار شد آن را بپذیرد.^۱

صدام در ۱۹۸۸، پس از پذیرفتن آتش‌بس، حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع از اراضی ایران را پس نداد و ادعا می‌کرد که تمام شط‌العرب از آن اوست. او معتقد بود که تا ایران به شناسایی حق عراق بر تمامی شط‌العرب اعتراف نکند، به مرزهای بین‌المللی برنخواهد گشت و تبادل اسرا آغاز نخواهد شد. این نشان دهنده تمایل عمیق غریزی وی به قدرت و حفظ آن است. وجه مشخصه دیگر صدام صبر او بود. او زمان را در حکم یک اسلحه به کار می‌برد و دشمن خود را در درازمدت به زانو درمی‌آورد. برخلاف ادعای خویش که فکر می‌کرد جهان‌دیده است، از خاورمیانه فقط چند روز دور بود؛ یک‌بار در ۱۹۷۲ به مسکو و بار دیگر در ۱۹۷۵ به پاریس سفر کرد. به همین علت، برداشت او از غرب کامل نبود و ادعا می‌کرد که غربی‌ها تنها به منافع اقتصادی کوتاه‌مدت می‌اندیشند.

بعدها معلوم شد که او از افسران ارشد و مردم عراق می‌ترسید و برای جلوگیری از این ترس اقدام می‌کرد. پس از جنگ کویت، مشخص شد که اکثر تصمیمات او ناشی از ترس بوده است. ترس از اینکه مبادا مجدداً مانند دوره کودکی‌اش کسانی بر او پیروز شوند و او را از سلطه بر دیگران محروم سازند. به‌ندرت صدام در مسئله‌ای بین کشوری، منطقه‌ای، و یا بین‌المللی با بازیگران دیگر همکاری می‌کرد. در نتیجه، همه، حتی مخالفان جنگ آمریکا با عراق، به این نتیجه رسیده بودند که امتناع او از همکاری کامل با سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که درصدد ساخت سلاح‌های کشتار جمعی است. از طرف دیگر، محاسبات او در چارچوب نظریه بازی کاملاً اشتباه بود. صدام معتقد بود که ایالات متحده آمریکا از بیماری مزمن ویتنام رنج می‌برد و هرگونه دخالت در یک

^۱ Post, Jerrold M. (ed.); *The Psychological Assessment of Political Leaders: With Profiles of Saddam Hussein and Bill*

Clinton; New York: University of Michigan Press, 2003, p. 411

جنگ دیگر، که باعث خسارات جانی به مردم آمریکا شود، باعث اعتراض عمومی در جامعه آمریکا و سرنگون کردن دولت آمریکا خواهد شد.^۱

پایان گفتار

باید از حوادث و اتفاقات به اندازه چند دهه فاصله گرفت تا بتوان به صورت علمی و منصفانه آنها را تجزیه و تحلیل کرد. حال که به گذشته برمی‌گردم، خاطراتی از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ذهن و قلبم می‌یابم که شاید در فرصتی دیگر به آنها پردازم.

^۱ Post, p. 340.